

گزارش «وطن امروز» از ادامه ابهام ملاک‌های حذف پارانه و فرآیند عجیب اعتراض حذف‌شوندگان

حذف گاز انبری پارانه نقدی

ما همه پیغمبر زاده‌ایم!

حسین قدیانی



چه واقعیت فراموش شده‌ای! چه حقیقت فراموش شده‌ای! آری واقعیت آن است که «ما همه پیغمبر زاده‌ایم». امان از مرض نسیان! امان از مرض

نسیان که از یاد این‌ای آدم می‌برد اصل و نسبش را! اگر جز این نیست که ما را پدر، حضرت آدم است و مادر، حضرت حوا، روزی هزار بار باید با خود زمزمه کنیم «ما همه پیغمبر زاده‌ایم» بلکه از یاد نبریم از کجا آمده‌ایم و به کجا خواهیم رفت. گمانم هیچ عصری چون عصر آخرالزمان با این همه ابتلاات رنگارنگ، مناسب این تذکر نیست که ریشه جمله آدمیان بازمی‌گردد به پیامبری که از قضا نامش «آدم» بود. ما همه باید آدم شویم! اولاً برای آنکه به خود ببالیم باید بدانیم «ما همه پیغمبر زاده‌ایم» و ثانیاً برای آنکه دچار کبر نشویم باید ضمن یادآوری آن حکایت معروف، بدانیم که پیغمبر زاده‌ای توسط پیغمبر زاده‌ای دیگر کشته شد! صلابت پیغمبر زاده بودن، آنقدر موضوعیت دارد که شیطان رچیچ، همه و سوسه‌های خود را دایر بر این مهم قرار داده که آدمی، پدرش آدم را فراموش کند، مادرش حوا را فراموش کند، پیغمبر زاده بودن خود را فراموش کند و فراموش کند ریشه در کدام قدمت دیرین دارد. لیکن آدمیم و منج شیطان را خوبانیدیم و علی‌الدوام نداعی‌گر نیست خود با آدم شدیم؛ از قضا آن روز هم موضع تذکری دیگر است که پیغمبر زاده‌ای، پیغمبر زاده‌ای را که کشتا! لذا توجه دادن آدمی به ریشه خود، نه فقط لازم و ضروری، که ناظر بر این همه بلایه آخرالزمانی، امری واجب می‌نماید اما نشان به نشان قایل که خود هم پیغمبر زاده بود، احدی حق ندارد با آدم کاسی و خیال کند حالا که آدمیزاد است و پیامبر زاده، پس همه چیز تمام است! گفت: «پسر نوح با بدان بنشست، خاندان نبوتش گم شد». ما را اما چه نسبت با پسر نوح، آن هم در شرایطی که دنبال خود آدم می‌گردیم؟! وقتی «ما همه پیغمبر زاده‌ایم» تو بگذار پسر نوح هم همین سودا را در سر داشته باشدا! مهم آن است که در توفان ابتلاات، از نوح خط بگیري یا از انفلس غیر روحانی؟! الان چه وقت کشتی ساختن است وقتی تکه تکه ابری هم در آسمان نیست؟! خشکی چه جای کشتی ساختن است وقتی برکهای آب هم این اطراف نیست؟! آه و فغان از طعنه مثلا پیامبر زاده‌ها به پیامبران! این دعوی همیشگی نوح و پسرش! تو وقتی به جای سوار شدن بر کشتی نجات پیامبر امت، سوار بر منیت خود شوی، به رهایی راهی نخواهی یافت؛ خواه پسر نوح باشی و خواه هر پیغمبر زاده دیگری! و مگر سوار شدن بر کشتی نوح، پیغمبر زاده نبودند؟! آدمیزاد نبودند؟! امروز هم قصه همین است! اگر بعضی‌ها فکر می‌کنند ملاک، نام خلوات‌گی است، در عوض، «ما همه پیغمبر زاده‌ایم!» پس به این چیزها هست و نیست! بعضی‌ها فکر می‌کنند پیغمبر زاده‌تر از دیگر این‌ای آدم هستند و حتی پیغمبر زاده‌تر از پابره‌ها! که خمینی ایشان را اولی نعمت خود می‌دانست! باورم هست هر فتنه‌ای ریشه در منیت دارد! منیت و کبر و غرور! نقطه مشترک زندگی قایل و پسر نوح و دیگر پیغمبر زاده‌های ناخلف، این بود که خود را تافته جدا بافته از دیگر پیامبر زاده‌ها می‌دانستند! تا آن حد که اصلا دیگران را پیامبر زاده نمی‌دانستند!

ادامه در صفحه ۵

اظهار نظر عجیب حسن روحانی درباره وضعیت نابسامان تولید در کشور

از رکود صحبت نکنید!

رئیس جمهور: متأسفانه برخی در داخل آلودگی هوا در کشور را بزرگ کردند!



قلب را کتور اراک خارج شد

این جنایت بزرگ رخ نداد. محکوم کردن‌های فانتزی و دیپلماتیک نتوانست خونبهای چند هزار شیعه زاریا باشد. حتی به واسطه این محکوم کردن‌ها دنیا نتوانست نسبت به ماجرای نیجره آگاهی لازم را پیدا کند. ماجرای شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان اما متفاوت بود. خشم مردم مساله عربستان را جهانی کرد. در پی ورود غیرقانونی برخی به داخل سفارت عربستان و قطع ارتباط این کشور با جمهوری اسلامی گام بعدی رسانه‌ای تر شدن «مساله آل‌سعود» کلید خورد و در حالی که می‌رفت بایکوت رسانه‌های غربی ماجرای شیخ نمر را هم مانند وقایع پیشین بدون ایجاد هزینه‌ای برای آل‌سعود به تاریخ سپارده، رفتارهای تأثیرگذار مردم ایران، شرایط را به نفع اسلام و علیه آل‌سعود تغییر داد. طوری که در طول هفته گذشته به شکلی کلامی سابقه، جمع‌ات خودجوش فراوانی در سراسر دنیا علیه آل‌سعود شکل گرفت. کسبانی که در داخل سرگرم تحلیل‌های شخصی بی‌توجه به عالم واقع هستند در درک این اتفاق محیرالعقول موفق نیستند. این گزاره مهمی است که شاید برای تبلیغ آن باید میلیاردها هزینه می‌شد اما حالا مردم در دنیا شعارش را می‌دهند.

نداشتن سواد لازم از شرایط بین‌المللی و بی‌اطلاعی از عرصه دیپلماسی عمومی موجب شده است برخی دست به اشتباه رسانه‌ای بزرگی بزنند و انتخاب و اولویت دادن به مساله «تسخیر خلاف قانون سفارت آل‌سعود» و کنار گذاشتن اصل مساله نفرت از آل‌سعود و «عدم و شهادت شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان» که شاید اتفاقی با خط رسانه‌های العربیه و بی‌بی‌سی فارسی هماهنگ شده باشد، موجب نامیدی از برخی رسانه‌ها می‌شود. نیاز به شناخت دقیق شرایط و اهم و مهم کردن اولویت‌ها و توجه خوش‌بینانه‌ترین حالت، «محکوم می‌کنیم» نداشته است. این اظهارات ادامه داشته است که بمباران‌ها هم ادامه دارد، چرا که در این موضوع نیز واکنشی که سزاوار باشد صورت نگرفته است.

در کشتار وحشیانه ارتش نیجره و به شهادت رساندن شیعیان این کشور و آزار و اذیت علامه زکراکی هم به همین ترتیب، در دنیا اتفاقی به خاطر

جهانی شدن نفرت از آل‌سعود و «بصیرت» رسانه‌های

محمد رضا کردلو

فرودگاه جده به ۲ نوجوان ایرانی تا قربانی کردن ۵۰۰ حاجی در منا، آزار فوتبالیست‌ها، اعدام متهمان ایرانی و راست راست چرخیدن دیپلمات مست سعودی که یکی از هموطنان‌مان را در تهران به قتل رساند، همگی شرایط را برای ظهور و بروز خشم مقدس ایرانیان فراهم می‌کرد. خشمی که علاوه بر جمع‌ات شنبه و یکشنبه در تهران و مشهد، جمعه گذشته به شکلی میلیونی در سراسر کشور رقم خورد. تبدیل شدن «نفرت از آل‌سعود» به مساله اول تجمع‌کنندگان در سراسر دنیا، تحرکات اثرگذار علیه این رژیم و جهانی شدن مساله ظلم و دیکتاتوری حکومت پادشاهی عربستان در دنیا با وضعی که رسانه‌های مطرح دارند و با گرفتن مبالغ هنگفت سعی می‌کنند اخبار عربستان را انطور که دربار سعودی می‌خواهد، منتشر کنند، قطعاً به واسطه رفتارهای فانتزی معمول اتفاق نیفتاده است. اینکه خیلی از مردم دنیا از جنایات رژیم فاسق عربستان بی‌خبر بودند و طی همین یک هفته اطلاعات فراوانی درباره عربستان به دست آورده‌اند، خود حکایت از این واقعیت دارد که تحرکات خشمگینانه مردم در ایران، عراق، لبنان و برخی کشورهای مسلمان نتیجه داده است.

ناظران رسانه‌ای و تحلیلگران ارشد در شبکه‌های مطرح و فعالان شبکه‌های اجتماعی که ارتباط گسترده‌ای با نقطه نظرات افراد در عموم دنیا نسبت به ماجرای آل‌سعود دارند، اذعان می‌کنند اگر واکنش‌ها به اعدام شیخ نمر هم در حد محکوم کردن‌های دیپلماتیک و رفتارهای فانتزی می‌ماند، نمی‌توانست خشم عمومی نسبت به آل‌سعود را جهانی و به موضعی تأثیرگذار تبدیل کند. مطلعان در زمینه تحلیل افکار عمومی و کارشناسان رسانه نمونه‌هایی از بی‌نتیجه ماندن مواجهه‌های دیپلماتیک را مثال می‌زنند؛ در فاجعه منا ضمن اذعان به انفعال

روزنه

اعتراضات به اعدام شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان حالا پس از پشت سر گذاشتن ۱۰ روز، در اکثر کشورها فراگیر شده است و همواره بر موج اعتراضات افزوده می‌شود. در بیشتر کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا، برخی کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای مسلمان شرق آسیا، استرالیا، هند، پاکستان و افغانستان، همه کشورهای غرب آسیا و تعدادی از کشورهای آفریقای مردم نسبت به آل‌سعود واکنش‌های تندی نشان داده‌اند. این روند همچنان ادامه دارد اما ناظران سیاسی معتقدند این فراگیری بی‌سابقه موج اعتراضات و خشم علیه آل‌سعود، نتیجه محکومیت‌های عادی و دیپلماتیک نیست.

بررسی و مطالعه افکار عمومی در ایران و سراسر دنیا با استفاده از امکانات تحت اینترنت همچون شبکه‌های مجازی، صفحات اجتماعی فعالان مدنی در غرب، فیلم‌ها و تصاویر جمع‌ات و تحرکات اعتراضی آمیز و عدالتخواهانه در نقاط مختلف جهان و همچنین به کار بستن طرح‌ها، ایده‌های خلاقانه و مطالبی که همگی در ابراز خشم به حکومت وهابی و پادشاهی در عربستان صورت گرفته است، نتایج قابل تاملی را به همراه دارد.

البته در داخل کشور مردم و افکار عمومی به واسطه خشم و نفرتی که طی این ۲ سال از آل‌سعود داشته‌اند، واکنش‌های مشابه و البته عملکردی داشته‌اند و اراده‌ای مبنی بر عقب راندن آل‌سعود از مواضع گستاخانه‌اش را پیش می‌برده‌اند.

طبیعی بود که ایرانیان بیشتر و عمیق‌تر از مردم دیگر کشورهای دنیانسبت به آل‌سعود ابراز تنفر و خشم داشته باشند. وقایعی که این روزها بیشتر از همیشه از آنها یاد می‌شود، مردم را به این نتیجه می‌رساند که نمی‌توانند به محکوم کردن‌های دیپلماتیک و البته کم‌رنگ بستنده کنند. از به شهادت رسیدن رابین فرهنگی ایران در بیروت و حمله به سفارت جمهوری اسلامی تا عدم رعایت شئون دیپلماتیک و توهین‌های مکرر به جمهوری اسلامی، از تعرض ماموران



چهارمین سالگرد شهادت مصطفی احمدی‌روشن

پنجشنبه ۲۴ دیماه / بعد از نماز مغرب و عشاء / امامزاده علی‌اکبر (ع) چیتر

دوران یادگیری در مرحله پسابرجام

مهدی محمدی

ایران و آمریکا تا آنجا که به توافق هسته‌ای مربوط می‌شود، هر دو در حال طی «دوران یادگیری» هستند. مقصود از «دوران یادگیری»



در اینجا این است که محاسبات هر دو طرف درباره دوران پس از اجرای توافق، تازه در حال شکل‌گیری است و هر یک از ۲ طرف، برحسب آنچه در این دوران می‌آموزد، تصمیم خواهد گرفت در آینده چگونه رفتار کند.

دوران یادگیری - که از ۲، ۳ ماه قبل از آغاز اجرای توافق آغاز می‌شود و می‌تواند حتی تا یک سال بعد از آن ادامه پیدا کند - مهم‌ترین بازه زمانی در طول اجرای برنامه جامع اقدام مشترک خواهد بود. در این دوران است که هر یک از دو طرف خواهد دانست:

۱- حفظ توافق هسته‌ای برای طرف مقابل تا چه اندازه اهمیت دارد؟
۲- طرف مقابل چه مواردی را به عنوان نقض اساسی برجام در نظر می‌گیرد و به آن واکنش قطعی نشان خواهد داد؟
۳- هزینه عدم پایبندی به توافق واقعا چقدر است؟

۴- هر طرف قصد دارد توافق هسته‌ای را مقدمه چه اقدامات دیگری قرار دهد؟
۵- کدام طرف بیش از دیگری رفتار خود را با الزامات روح و نص توافق وفق خواهد داد؟

به تعبیر ساده‌تر، در این دوران است که آمریکایی‌ها در خواهند یافت از این به بعد چگونه باید با ایران رفتار کنند. از ابتدا روشن بود که برجام برای طرف آمریکایی بخش میانی یک پروژه بلندمدت است و مطلوبیت آن بیش از آنکه وابسته به کیفیت اجرای توافق باشد، به پیامدهای «سیاسی»، «ژئوپلیتیک» و حتی «ایدئولوژیکی» وابسته است که در پی خواهد داشت. مهندسی این پیامدها، برای آمریکایی‌ها بسیار مهم‌تر از خود توافق است اگر چه در بسیاری موارد این مهندسی با استفاده از ابزارهایی انجام خواهد شد که در متن توافق تعبیه شده است. از دید آمریکا، برجام زمانی یک توافق مطلوب است که به کنترل عمومی رفتار ایران منجر شود و نه فقط برنامه هسته‌ای بلکه همه محاسبات راهبردی ایران در حوزه‌های منازعه با غرب را مدیریت کند.

بر این اساس، آمریکایی‌ها در این باره کاملاً شفاف بوده‌اند که از دید آنها برجام باید بخشی از زیرساخت ایجاد تغییر در داخل ایران طرف یک دهه آینده، ابزاری برای مهار رفتار منطقه‌ای ایران و همچنین مدلی برای مدیریت سایر برنامه‌های امنیت ملی باشد که ایران از طریق آنها می‌تواند آمریکا را تهدید کرده یا منافع آن را به طور اساسی به چالش بکشد (از جمله برنامه موشکی و...).

آموخته‌های آمریکا در دوران یادگیری است که به آنها نشان خواهد داد تا چه حد می‌توانند این هدفگذاری را محقق کنند. آمریکا اکنون در حال آموختن این نکته است که در یک دهه آینده و در حالی که توافقی به نام برجام روی میز و در حال اجراء است، چگونه باید با ایران رفتار کند. مهم‌ترین عاملی که زیرساخت این یادگیری خواهد بود، واکنشی است که ایران به تصمیمات اظهارات مقام‌های آمریکایی نشان می‌دهد. نوع، زمان و شدت این واکنش‌هاست که آرام آرام به آمریکا خواهد فهماند می‌تواند برجام را بدل به ابزاری برای تشدید مؤثر فشار بر ایران در سایر حوزه‌ها کند یا نه. محاسبات آمریکا در این حوزه تازه در حال شکل‌گیری است و این رفتار ایران - بویژه دولت - است که به آن شکل خواهد داد.

آمریکایی‌ها آشکارا تلاش می‌کنند از برجام ابزاری برای تبدیل شدن ایران به یک کشور بشدت محتاط و محافظه‌کار بسازند که به دلیل نیاز شدید به حفظ توافق و نگرانی از «عدم تعلیق تحریم‌ها» (با بازگشت تحریم‌ها پس از تعلیق «فشارها»، «تحقیق‌ها»، «تقاضی عهده‌ها و درشت‌گویی‌ها» ی آنها را تحمل می‌کند و دم بر نمی‌آورد، در واقع، اگر حفظ برجام به هر قیمت بدل به اولویت شماره یک امنیت ملی و سیاست خارجی ایران شود، همین اتفاق هم خواهد افتاد. در این صورت، آمریکا بازی را در دوران یادگیری برده است و به تعبیر مورد علاقه غربی‌ها ایران را جوری بار آورده که از این به بعد خودش خودش را کنترل خواهد کرد.